

بررسی مشارکت اجتماعی جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر بم بعد از زلزله و

عوامل مؤثر بر آن*

محمدحسین مقدس جعفری^۱

رضا کریمی^۲

چکیده:

این مقاله به بررسی میزان مشارکت اجتماعی جوانان ۱۸-۲۹ سال شهر بم بعد از وقوع زلزله ۵ دی ماه ۱۳۸۲ و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن می‌پردازد. روش پژوهش، پیمایش و مصاحبه حضوری مبتنی بر پرسشنامه می‌باشد. در این تحقیق، به وسیله نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی ساده با ۴۰۰ نفر از جوانان ۱۸-۲۹ سال شهر بم مصاحبه شده است. چهارچوب نظری غالب در پژوهش حاضر تاکید بر مکتب نوسازی است و از نظریات جامعه‌شناسانی چون لرنر، اینگلهارت، هانتینگتون، لیپست، آلموند و پاول، راجرز و کولین استفاده شده است. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که متغیرهای احساس تعلق اجتماعی، رضایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌ها، مسؤلیت‌پذیری اجتماعی و عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی رابطه مثبت و مستقیمی با میزان مشارکت اجتماعی جوانان دارند. و متغیرهای سن، تحصیلات، تقدیرگرایی، تأثیرپذیری از روابط خویشاوندی، آزادی اجتماعی و مدت زمان سکونت در محل رابطه معناداری با میزان مشارکت اجتماعی جوانان ندارند. از سوی دیگر بین میزان مشارکت اجتماعی جوانان در دو گروه مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد اما بین میزان مشارکت اجتماعی جوانان در دو گروه زنان و مردان و همچنین در گروه‌های مختلف دانشجویی، دانش‌آموزی، زنان خانه دار، شاغلین و بیکاران تفاوت معناداری وجود دارد.

کلید واژه‌ها: مشارکت اجتماعی، جوانان، شهر زلزله زده بم، رضایت اجتماعی، مسؤلیت‌پذیری اجتماعی، عضویت در نهادهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی.

* تاریخ وصول: ۹۲/۲/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۱۰

۱- دانشجوی دکترای جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران s.khani63@gmail.com

۲- دانشجوی دکترای جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران ho.zarghami@gmail.com

۱- مقدمه

مشارکت در واقع نوعی رفتار اجتماعی مبتنی بر اعتقاد و منافع شخصی و گروهی است و در واقع عبارت است از میزان دخالت اعضای نظام در فرآیند تصمیم‌گیری در جامعه. مشارکت، سهمی در چیزی داشتن و از آن سودبردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن است. مشارکت اجتماعی شرکت فعالانه در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات می‌باشد و به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضاء یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌دادن حیات اجتماعی دخالت دارند (آلموند و پاول^۱، ۱۳۸۰، ۱۴۲). مشارکت در همه زمینه‌های زندگی اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد، نقطه عطف در مفهوم مشارکت در همه عرصه‌های فوق ارادی و داوطلبانه بودن آن است (ایران‌زاده ۱۳۷۵: ۲۱).

وقوع بلایای طبیعی همانند زلزله، سیل و طوفان و ... موجبات برهم‌خوردن شرایط طبیعی و حاکم بر یک جامعه در فاصله زمانی اندک و به صورت ناگهانی می‌شود به طوری که جامعه را دچار شک می‌کند و بازماندگان حادثه با معضلاتی مانند از دست‌دادن عزیزان، خانه و کاشانه، شغل و کسب کار و درآمد خود روبرو می‌شوند. چنین جامعه‌ای برای روی پا ایستادن و بازیابی و بازسازی نیازمند مشارکت اجتماعی بازماندگان به خصوص نیروی جوان آن جامعه می‌باشد. زمین لرزه‌ای به شدت ۶٫۶ ریشتر در ساعت ۲۶:۵ بامداد دی ۱۳۸۲ شهر بم و مناطق اطراف آن در شرق استان کرمانرا لرزاند. طبق آمار رسمی این زمین‌لرزه ۵۰۰۰۰ قربانی، ۳۰ هزار مجروح و بیش از صد هزار نفر بی‌خانمان به جای گذاشت (ویکیپدیا فارسی^۲، زمین‌لرزه بم، ۱۳۹۲/۷/۱).

جوانان به واسطه اینکه نیروی فعال و بازوی پرتلاش جامعه با رویکرد به آینده از دیدگاه توسعه می‌باشند، می‌توانند مورد توجه ویژه در مطالعات اجتماعی قرار گیرند. بخصوص در شهری آسیب‌دیده مانند بم نقش این نیروها برای بازسازی اجتماعی و اقتصادی مهم‌تر از سایر اقشار اجتماعی است. بر اساس آمار جمعیتی سال ۱۳۸۵ بیش از ۶۴ درصد جمعیت شهر بم را جوانان تشکیل می‌دهد (درگاه ملی آمار ایران^۳، سرشماری جمعیت سال ۱۳۸۵) که خود نشان از اهمیت مسأله است. به جهت اهمیت موضوع در سایر نقاط جهان مؤسساتی عهده دار بررسی مشارکت اجتماعی جوانان هستند و این موضوع را نهادینه مورد

1-Almond & powell

2-fa.wikipedia.org

3-http://www.amar.org.ir

مطالعه قرار می‌دهند برای مثال در ژاپن پنج مؤسسه عهده دار مطالعه و بررسی این مسأله هستند (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲، ۱۵-۱۴).

مشارکت می‌تواند در حوزه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و فرهنگی از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت‌های چشمگیر داشته باشد بنابراین هر جامعه بسته به شرایط زمانی و مکانی خاص خود نیازمند مطالعه‌ای ویژه است (مشهدی رجبی، ۱۳۷۹، ۲۸).

صاحب‌نظران (۱۹۷۴)، «رابرت دال»^۱ (۱۹۸۵)، «دانیل لرنر»^۲، «لستر میل براث»^۳، «سیدنی متعددی در زمینه مشارکت در جوامع مختلف کار کرده‌اند از جمله «مارتین لیپست»^۴ (۱۹۶۰)، «مایرون وینر»^۵ و «ریا»^۶، «جوزف نای»^۷ (۱۹۶۷) و «ساموئل هانتینگتون»^۸ (۱۹۸۹)؛ (سراج‌زاده، ۱۳۶۸: ۴۲۷).

۱- مروری بر قالب‌های نظری و مفهومی و پیشینه پژوهش

علیرضا کلدی در پژوهشی با عنوان: «بررسی نگرش شهروندان از مشارکت در مدیریت شهری در منطقه ۷ تهران»^۹ معتقد است؛ میزان مشارکت با جنس، سن، وضع تأهل، بعد خانوار، مدت زمان سکونت در محل و نیز احساس مالکیت عمومی شهر ارتباط داشت. همچنین میزان مشارکت با میزان شناخت از فعالیت‌هایی در خدمت شهروندان و پایگاه اقتصادی - اجتماعی شهروندان ارتباط نشان می‌دهد. شفیع شفیی در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل»^{۱۰}. به این نتایج رسیده است که: "نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد، متغیر احساس تعلق اجتماعی دارای بیشترین تاثیر و پس از آن متغیرهای سنت‌گرایی، احساس مالکیت بر محیط شهری، سن و رضایت از خدمات شهری بر مشارکت اجتماعی مؤثرند". جعفر شرفخانی پژوهشی با عنوان: «بررسی میزان مشارکت

1-Robert Dall

2-Daniel Lerner

3-Lester Millbroth

4-Martin Lipset

5-Myron Weiner

6-Sidney Verba

7-Joseph Nie

8-Huntington Samuel

۹- علیرضا کلدی، فصلنامه جمعیت، شماره ۴۲ تهران: ۱۳۸۱.

۱۰- شفیی، کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه تهران: ۱۳۸۴.

جوانان شهر ایلام در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی^۱ به انجام رسانده است و نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که بین متغیرهای جنس، سن، تحصیلات، شغل، مدت سکونت، سنت‌گرایی، احساس تعلق اجتماعی، احساس مالکیت بر محیط شهری، رضایت از خدمات شهری، عضویت در تشکل‌ها با میزان مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد و همه فرضیات تحقیق تأیید می‌شوند. همچنین نتایج معادله رگرسیون نشان می‌دهد که متغیر احساس تعلق اجتماعی بیشترین تأثیر و پس از آن متغیرهای سنت‌گرایی، احساس مالکیت بر محیط شهری، سن و رضایت از خدمات شهری بر مشارکت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی موثرند. فرشته سیستم‌های و همکاران در پژوهشی با عنوان: «بررسی وضعیت روحی و روانی گروه پرستاران آسیب‌دیده در زلزله بم پس از یک سال، فرشته سیستم‌های و همکاران^۲» به این نتایج رسیده‌اند: زلزله منجر به بروز عوارض روحی و روانی بسیاری می‌شود و ضروری است علاوه بر امداد رسانی به موقع، برای تسکین و تسلی وضعیت روحی و روانی افراد مصیبت‌زده از عوامل فرهنگی و به خصوص اعتقادات دینی بهره جست. دکتر مژده وزیری و شیدا جهانی در پژوهشی با عنوان: «مهارت‌های شهروندی مورد نیاز دانش‌آموزان دبستان‌های شهرستان زلزله زده بم^۳» به این نتیجه رسیده‌اند که: مهارت فن آوری اطلاعات در بین تمامی مهارت‌ها حائز بالاترین اولویت می‌باشد و پس از آن مهارت شهروندی جهانی بودن دومین اولویت را دارد. همچنین مهارت مقابله با هیجان و استرس، مهارت حرفه‌ای، مهارت اداره زندگی و مهارت والدینی در اولویت سوم، مهارت تصمیم‌گیری و حل مسأله در اولویت چهارم و مهارت خودآگاهی و روابط مؤثر اجتماعی در اولویت پنجم قرار داشتند. سید علی اصغر حسینی در پژوهش «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی در بین کارکنان شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران^۴» می‌گوید: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان مشارکت در دو جنس جنس زن و مرد و دو گروه مجرد و متأهل تفاوت معناداری ندارد. بین سن و مشارکت، سابقه کار و مشارکت، وضعیت استخدام و مشارکت، موقعیت شغلی و مشارکت، مشورت و همفکری در محیط خانواده و مشارکت، تعهد اجتماعی و مشارکت، تعداد دوستان و همکاران صمیمی و مشارکت، ارزیابی از میزان مشارکت و مشارکت، شرکت در انتخابات و مشارکت رابطه معناداری وجود ندارد اما بین درآمد و

۱- جعفر شرفخانی، کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ۱۳۸۵.

۲- فرشته سیستم‌های، فصلنامه حیات، سال یازدهم شماره ۲۴ و ۲۵، بهار و تابستان ۱۳۸۴.

۳- مژده وزیری و شیدا جهانی، فصلنامه نوآوریهای آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، پاییز ۱۳۸۵.

۴- سید علی اصغر حسینی، کارشناسی ارشد پژوهشگری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، ۱۳۸۵.

مشارکت، کمک گرفتن از دیگران در حل مشکلات و مشارکت، روحیه مسئولیت پذیری در محیط کار و مشارکت، اعتماد اجتماعی و مشارکت، میزان خردورزی و مشارکت، امید به آینده و مشارکت، پذیرش ارزش مشارکت و مشارکت، رضایت از زندگی و شغل ونحوه گذران اوقات فراغت و مشارکت رابطه معناداری وجود دارد. بحث مشارکت اجتماعی در قالب مطالعات سرمایه اجتماعی نیز مطرح و مورد مطالعه قرار گرفته است. از نظر مولیناس^۱ سرمایه اجتماعی محصول فعالیت و مشارکت اجتماعی است (مولیناس، ۱۹۸۸ : ۴۱۶). پاتنام^۲ و فیلد^۳ معتقدند که سرمایه اجتماعی ویژگیهایی از سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی است که می‌تواند کارایی جامعه را از طریق کنش‌های داوطلبانه بهبود بخشد (فیلد ۱۳۸۶ : ۱۱؛ پاتنام، ۱۳۸۰ : ۲۸۵). «افه و فوجز^۴» نیز به الگوهای ساختاری «انجمن پذیری» مبتنی بر رفتار مشارکتی آگاهانه تأکید دارند (افه و فوجز به نقل از فیروز آبادی، ۱۳۸۴، ۳۰-۲۴). از نظر بوردیو^۵ فرد با مشارکت اجتماعی از سرمایه های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بهره‌مند می‌شود (استونز^۶ ۱۳۷۹ : ۲۳۵؛ بوردیو ۱۹۹۷ : ۵۱). بوردیو معتقد است که اعضاء با عضویت در گروه و سطح و میزان فعالیت و مشارکت خود از این سرمایه‌ها سهم می‌برند (تاجبخش، ۱۳۸۴، ۵۰). بوردیو در نهایت تأکید دارد که همه سرمایه‌ها قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی هستند که در واقع منفعت افراد را با میزان مشارکت تأمین می‌کند (محمدی، ۱۳۸۴، ۴۹-۴۶). جیمز کلمن^۶ تحت تأثیر بوردیو معتقد است همه افراد حتی فقرا هم با مشارکت اجتماعی می‌توانند از سرمایه اجتماعی بهره‌مند شوند (کلمن، ۱۳۷۹، ۴۷۹). پاتنام با مطالعه جامعه آمریکا ۱۴ شاخص را برای سرمایه اجتماعی استنتاج کرده است که همگی مبتنی بر مشارکت اجتماعی هستند (محمدی، ۱۳۸۴ : ۶۴-۶۳). از دیدگاه هانتینگتون و نلسون، در اثرگذاری دو عامل (منزلت اجتماعی و اقتصادی و دخالت در فعالیت‌های اجتماعی و سازمان‌ها) در مشارکت اجتماعی عامل دوم از اهمیت بیشتر برخوردار است (رضایی، ۱۳۷۵ : ۵۶). علوی تبار معتقد است که مشارکت می‌تواند زمینه‌های متفاوتی داشته باشد که عبارتند از :

9- Effeh & Fuches

- 1-Molinas
- 2-Robert Putnam & John Field
- 3- Effeh & Fuches
- 4-Pierre Bourdieu
- 5-Estons
- 6-James Coleman

۱. فعالیت‌های عمرانی (ایجاد پل، میدان، خیابان و ...)
 ۲. فعالیت‌های مربوط به محیط زیست (ایجاد فضای سبز و زیبا سازی شهر)
 ۳. کارهای مربوط به تامین ایمنی شهر (ایجاد ایستگاه‌های آتش نشانی و ..)
 ۴. فعالیت‌های نظارتی (نظارت بر حسن انجام قوانین و ...)
 ۵. فعالیت‌های مربوط به خدمات شهری (نظافت معابر، دفع زباله و ...)
 ۶. امور مربوط به رفاه اجتماعی (تأسیس فرهنگسرا، کتابخانه‌ها و ...) (علوی‌تبار، ۱۳۷۹، ۲۹).
- تعاریف و تفسیرها از مشارکت نیز متفاوت است و متداولترین آن شرکت داوطلبانه فرد در اجتماعی با نظام عادلانه می باشد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ۵۲۱؛ شرفخانی، ۱۳۸۵، ۱۵). از نظر آلن بیرو^۱ مشارکت به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن است و یا در گروهی شرکت جستن و همکاری داشتن است (بیرو، ۱۳۶۶، ۲۵۷). مشارکت فرد در چنین شرایطی با مشارکت در شبکه‌های اجتماعی با جلب مشارکت افراد میسر است شرکت در شبکه‌های اجتماعی خود موجب بسط و گسترش همبستگی اجتماعی خواهد شد. (چلبی، ۱۳۷۵، ۲۹۰). گولت^۲ این نوع مشارکت را جزء حیاتی راهبرد توسعه دانسته و آن را کانالی می داند که گروهها و جوامع محلی می توانند از طریق آن به عرصه‌های کلان تصمیم‌گیری راه پیدا کنند. و بدون آن راهبردهای توسعه غیرمردمی و بی نتیجه خواهد بود (گولت، ۱۹۹۵، ۱۰۱) مشارکتی که الکسی دو توکویل^۳ فرانسوی معتقد است که موجب رشد و شکوفایی شهروندان شده و آنها را به نظم اجتماعی علاقه مند می کند (کی یز،^۴ ۲۰۰۴، ۱۲-۶). مشارکت را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و روانی دسته‌بندی می‌کنند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۸، ۹۲؛ مصفا، ۱۳۷۵، ۲۰، علوی‌تبار، ۱۳۷۹، ۲۹). شرکت در مناسبات اجتماعی و تعاملات جامعه موجب خروج از انزوای فرد شده و انسانها دنیای خود را با اختیار عمل می‌سازند (بریتون^۵، ۱۹۹۷، ۵؛ دشتی، ۱۳۷۶، ۲۳).
- از آنجایی که مشارکت مفهومی چندبعدی است برای بررسی ابعاد نظری و روش شناختی آن می توان از چهار پارادایم^۶ واقعیت اجتماعی، تعریف اجتماعی، رفتار اجتماعی و پارادایم ترکیبی استفاده نمود

1-Allen Biro

2-Goulet

3-Alexis de Tocqueville

4-keys

5-Breton Reymond

6-Paradigm

اما آنچه که در این پژوهش بیش از هرچیز مورد توجه می باشد، پارادایم واقعیت اجتماعی است که از منظر رویکردهای کارکردی - ساختاری و رویکرد تضاد به آن پرداخته شده است.

در رویکرد ساختی - کارکردی، جوامع یا واحدهای کوچکتر مانند نهادها و سازمانها به عنوان سیستم، مفهوم سازی شده و سعی در بیان ویژگی های ساخت اجتماعی آنها برحسب میزان مشارکت و کارکردشان در حفظ نام به عنوان یک واقعیت زنده می شود. بنابراین در این رویکرد با دیدی نظاممند، مسائلی چون انسجام اجتماعی، تعادل و عدم تعادل به نوعی تطور و تحول جوامع در قالب نظمی پویا مورد توجه قرار می گیرد.

دورکیم^۱، به نقش همبستگی اجتماعی در گسترش و تقویت ارتباطات اجتماعی اشاره نموده (آبراهامز^۲، ۱۳۶۹، ۱۹۶) و تالکوت پارسونز^۳ از متفکرین برجسته نظریه ساختی - کارکردی، موضوع انسجام اجتماعی را در دو نظام شخصیت و نظام اجتماعی مورد بحث قرار داده است. (پارسونز، ۱۹۵۵، ۲۸). اینگلهارت^۴ نوسازی اجتماعی و فرهنگی را در غرب مطالعه نموده (اینگلهارت، ۱۳۷۴، ۳۷۸). رولند کولین^۵ از جامعه شناسان توسعه گرا به پیروی از مرتون و پارسونز، توسعه را ذاتی ساختار اجتماعی و مبتنی بر مشارکت اجتماعی می داند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ۴۶).

دانیل لرنر^۶ در نیمه دوم قرن بیستم با رویکرد جامعه شناختی - روان شناختی گذار جوامع از مرحله سنتی به مدرن را در منطقه خاورمیانه مورد مطالعه قرار داده و ارتباط متقابل بین متغیرهای روانی چون همدلی، برخوردار شدن از شخصیت انتقالی و متغیرهای جامعه شناسی چون سطح تحصیلات، میزان شهرنشینی، دسترسی به رسانه های گروهی و مشارکت را مورد بررسی قرار داده است. (لرنر، ۱۹۵۸، ۸۶ به نقل از غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ۵۰).

لیپست^۷ از دیگر نظریه پردازان نوسازی نیز در مدل خود می کوشد براساس متغیرهای اجتماعی پدیده پدیده مشارکت یا عدم مشارکت گروه های مختلف را در پویای اجتماعی تبیین کند. مدل لیپست بر آن است که پدیده شرکت یا عدم شرکت اقشار و گروه های مختلف اجتماعی را براساس چندین عامل کلی

- 1-Durkheim
- 2-Abrahams
- 3- Talcott Parsons
- 4-Ingelhart
- 5-Roland Colin
- 6-Daniel Lerner
- 7-Lipset

اجتماعی در فرایندهای سیاسی و اجتماعی مانند انتخابات، انجمن‌ها، سندیکاها، کارگری، شوراهای محلی و نظایر آن تبیین کند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ۵۴).

هانتینگتون^۱ نیز در پژوهش خود به بررسی رابطه بین متغیرهای همبستگی گروهی، سطح تحصیلات، سن و میزان مشارکت در انواع انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی می‌پردازد (رضایی، ۱۳۷۵ : ۵۶). همچنین «وربا و نای»^۲ با تحقیقی در امریکا دریافته‌اند که شهروندان مرفه‌تر، تحصیل کرده‌تر و برخوردار از پایگاه اجتماعی برتر دارای مشارکت بیشتری بوده پس پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد با مشارکت آنان رابطه دارد.

اکسلرد نیز بیشترین تفاوت در میزان مشارکت اجتماعی بین گروه‌ها را تفاوت در میزان تحصیلات، شغل رئیس خانواده و درآمد خانواده بیان می‌کند. براساس یافته‌های تحقیق اکسلرد، میزان مشارکت در خانواده‌های با درآمد بالا و نیز افراد با تحصیلات بالا دو برابر خانواده‌های کم درآمد و افراد با تحصیلات پایین می‌باشد (اکسلرد^۳، ۱۹۵۰، ۱۸-۱۳).

۲- چهارچوب نظری

در این پژوهش از منظر پارادایم واقعیت اجتماعی و مکتب نوسازی^۴ به بررسی موضوع پرداخته شده شده است. صاحب‌نظران مکتب نوسازی بر تفکیک و تمایز دو نوع جامعه سنتی و مدرن تأکید می‌ورزند. بنابراین تقسیم بندی، جوامع مدرن دارای ویژگی‌هایی از قبیل داشتن اقتصاد پیشرفته، انواع تکنولوژی‌های جدید، سازمان‌های اجتماعی تمایز یافته، ثبات و توسعه سیاسی، بالا بودن سطح تحصیلات، بهداشت و درمان و ... می‌باشند.

لذا براساس این ویژگی‌های عینی و بیرونی، رفتار اجتماعی و طرز تفکر افراد نیز متناسب با آن شکل گرفته است که یکی از مهمترین آنها مشارکت افراد در امور سیاسی و اجتماعی می‌باشد. از سوی دیگر در مقابل این جوامع، جامعه سنتی قرار دارد که به سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نرسیده است و مجموعه مسائل و مشکلات ناشی از عدم توسعه در زمینه‌های یاد شده موجب کم رنگ بودن مشارکت در معنای واقعی در زندگی اجتماعی و سیاسی افراد در این گونه جوامع می‌باشد (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶، ۵۰).

1-Hantington

2-Verba& Nie

3-Axelrod

4-Modernization

۳- مدل علی تحقیق



۵- فرضیه‌ها

۱. بنظر می‌رسد بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد.

۲. بنظر می‌رسد هرچه سن جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.
۳. بنظر می‌رسد هرچه سطح تحصیلات جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.
۴. بنظر می‌رسد بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو گروه مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود دارد.
۵. بنظر می‌رسد بین میزان مشارکت اجتماعی جوانان در گروه های شغلی مختلف تفاوت معناداری وجود دارد.
۶. بنظر می‌رسد هرچه احساس تعلق اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.
۷. بنظر می‌رسد هرچه رضایت اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.
۸. بنظر می‌رسد هرچه اعتماد اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.
۹. بنظر می‌رسد هرچه تقدیرگرایی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان کاهش می‌یابد.
۱۰. بنظر می‌رسد هرچه میزان استفاده جوانان از رسانه‌ها افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.
۱۱. بنظر می‌رسد هرچه احساس مسؤولیت‌پذیری اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.
۱۲. بنظر می‌رسد هرچه عضویت داوطلبانه جوانان در نهادهای اجتماعی افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.
۱۳. بنظر می‌رسد هرچه تاثیرپذیری از روابط خویشاوندی در جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان کاهش می‌یابد.
۱۴. بنظر می‌رسد هرچه آزادی اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.
۱۵. بنظر می‌رسد هرچه مدت زمان سکونت در محل افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی جوانان افزایش می‌یابد.

۴- روش شناسی پژوهش

مطالعه حاضر از نوع تبیینی و روش مورد استفاده در آن پیمایشی و جامعه آماری آن شامل جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر بم می‌باشد. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و نمونه‌گیری تصادفی ساده است و ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه حضوری توأم با پرسشنامه می‌باشد که توسط پژوهشگر ساخته شده و به وسیله گروه پرسشگری تکمیل گردیده است. زمان گردآوری داده‌ها اسفند ماه سال ۱۳۸۸ می‌باشد. واحد تحلیل و واحد مشاهده هر دو در سطح خرد؛ واحد تحلیل میزان مشارکت اجتماعی جوانان و واحد مشاهده نیز فرد (جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر بم) بوده است.

اعتبار و روایی ابزار سنجش: برای تضمین اعتبار پرسش‌های پرسشنامه از روش اعتبار صوری استفاده شده است. همچنین برای افزایش روایی سؤالات پرسشنامه از آزمون آلفای کرونباخ^۱ استفاده شده است که مقادیر آلفای هر یک از متغیرهای تحقیق روایی سؤالات را تأیید کرده است. حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران^۲ ۴۰۰ نفر محاسبه گردید.

۵- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در پژوهش حاضر به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه‌ها، از آزمون‌های آماری مناسب با هر یک استفاده می‌شود. به این ترتیب که جهت بررسی رابطه بین متغیرهای اسمی - فاصله‌ای در دو گروه مجزا از آزمون آماری t مستقل و در بیش از دو گروه مجزا از آزمون آماری f مستقل^۳، برای بررسی رابطه بین متغیرهای فاصله‌ای - فاصله‌ای از آزمون آماری پیرسون و برای بررسی رابطه بین متغیرهای ترتیبی - ترتیبی از آزمون آماری اسپیرمن استفاده شده است. همچنین از رگرسیون خطی برای بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده شده است به این ترتیب که در رگرسیون خطی^۴ به بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (میزان مشارکت اجتماعی) پرداخته و در نهایت مدل مسیر ترسیم شده است. داده‌ها به وسیله رایانه و با نرم افزار spss نسخه ۱۷ مورد پردازش قرار گرفته‌اند.

متغیرهای تحقیق عبارتند از:

الف-متغیرهای مستقل

- 1-Alpha Choronbach
- 2-Cochran
- 3-Anova
- 4-Linear Regression

۱. عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی ۲. رضایت اجتماعی ۳. مسؤلیت‌پذیری اجتماعی ۴. تاثیرپذیری از روابط خویشاوندی ۵. تقدیرگرایی ۶. آزادی اجتماعی ۷. میزان استفاده از رسانه‌ها ۸. اعتماد اجتماعی ۹. تعلق اجتماعی ۱۰. مدت زمان سکونت در شهر ۱۱. سن : ۱۲. متغیر مستقل جنس ۱۳. وضعیت تأهل ۱۴. تحصیلات ۱۵. نوع فعالیت .

ب- متغیر وابسته:

مشارکت اجتماعی جوانان ۱۸-۲۹ ساله شهر بم

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

آمار توصیفی تحقیق :

بر اساس آمار، ۵۰ درصد پاسخگویان زن و ۵۰ درصد مرد، ۶۸ درصد مجرد و ۳۲ درصد متأهل، ۳۷/۵ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۱۸-۲۰ ساله، ۱۴/۵ درصد در گروه سنی ۲۱-۲۳ ساله، ۱۹ درصد در گروه سنی ۲۴-۲۶ ساله و ۲۹ درصد نیز در گروه سنی ۲۷-۲۹ ساله بودند. همچنین ۱۱/۸ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳۷/۳ درصد دارای تحصیلات دیپلم و ۵۱ درصد دارای تحصیلات عالی و ۴۶/۸ درصد از پاسخگویان دانش‌آموز و دانشجو، ۱۲ درصد خانه‌دار، ۱۹ درصد بیکار و ۲۲/۳ درصد نیز شاغل (در بخش دولتی و غیردولتی) بودند.

آمار استنباطی تحقیق:

برای بررسی رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته به آزمون آنها پرداخته شد و در مورد هر فرضیه از آزمون آماری مناسب با آن استفاده شده است که نتایج به شرح ذیل می‌باشد.

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد. این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان تأیید شد. به این معنی که بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد و مردان بیش از زنان مشارکت اجتماعی دارند.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد هرچه سن جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان رد شد. به عبارت دیگر بین سن جوانان و میزان مشارکت اجتماعی آنان رابطه معناداری وجود ندارد و همه گروه‌های سنی مشارکت اجتماعی تقریباً یکسانی دارند.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد هرچه سطح تحصیلات جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان رد شد. به عبارت دیگر بین سطح تحصیلات جوانان و

میزان مشارکت اجتماعی آنها رابطه معناداری وجود ندارد و همه پاسخگویان با هر سطح تحصیلاتی که داشتند مشارکت تقریباً یکسانی داشتند.

فرضیه ۴: به نظر می‌رسد بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو گروه مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود دارد. این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان رد شد. به عبارت دیگر بین مشارکت اجتماعی جوانان در دو گروه مجرد و متأهل تفاوت معناداری وجود ندارد و همه پاسخگویان صرف نظر از وضعیت تأهل مشارکت تقریباً یکسانی داشتند.

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد بین میزان مشارکت اجتماعی جوانان در گروه های شغلی مختلف تفاوت معناداری وجود دارد. این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان تأیید شد. همچنین نتایج آزمون LSD نشان می‌دهد که بین گروه های دانش آموز / دانشجوی و خانه دار ، خانه دار و بیکار ، خانه دار و شاغل تفاوت معنادار است.

فرضیه ۶: به نظر می‌رسد هرچه احساس تعلق اجتماعی جوانان افزایش یابد ، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان تأیید شد. به عبارت دیگر هرچه احساس تعلق اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه ۷: به نظر می‌رسد هرچه رضایت اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان تأیید شد. به عبارت دیگر هر چقدر رضایت اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه ۸: به نظر می‌رسد هرچه اعتماد اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان تأیید شد. به عبارت دیگر هر چقدر اعتماد اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه ۹: به نظر می‌رسد هرچه تقدیرگرایی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان کاهش می‌یابد. این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان رد شد. به عبارت دیگر رابطه معناداری بین تقدیرگرایی و میزان مشارکت اجتماعی جوانان وجود ندارد.

فرضیه ۱۰: به نظر می‌رسد هرچه میزان استفاده جوانان از رسانه‌ها افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان تأیید شد. به عبارت دیگر هر چقدر میزان استفاده جوانان از رسانه‌ها افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه ۱۱: به نظر می‌رسد هرچه احساس مسؤلیت‌پذیری اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان تأیید شد. به عبارت دیگر هرچقدر مسؤلیت‌پذیری اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه ۱۲: به نظر می‌رسد هرچه عضویت داوطلبانه جوانان در نهادهای اجتماعی افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۹ درصد اطمینان تأیید شد. به عبارت دیگر هرچقدر عضویت داوطلبانه جوانان در نهادهای اجتماعی افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه ۱۳: به نظر می‌رسد هرچه تأثیرپذیری از روابط خویشاوندی در جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان کاهش می‌یابد. این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان رد شد. به عبارت دیگر رابطه معناداری بین تأثیرپذیری از روابط خویشاوندی و میزان مشارکت اجتماعی جوانان وجود ندارد.

فرضیه ۱۴: به نظر می‌رسد هرچه آزادی اجتماعی جوانان افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی آنان نیز افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان رد شد. به عبارت دیگر رابطه معناداری بین آزادی اجتماعی جوانان و میزان مشارکت اجتماعی آنان وجود ندارد. فرضیه ۱۵: به نظر می‌رسد هرچه مدت زمان سکونت در محل افزایش یابد، میزان مشارکت اجتماعی جوانان افزایش می‌یابد. این فرضیه با ۹۵ درصد اطمینان رد شد. به عبارت دیگر رابطه معناداری بین مدت زمان سکونت در محل و میزان مشارکت اجتماعی جوانان وجود ندارد. در بخش پایانی تحقیق نیز به بررسی معادله رگرسیونی پرداخته شد که از روش **Enter** استفاده شد و در آن پس از ورود کلیه متغیرهای مستقل تأثیرگذار بر متغیر وابسته به معادله رگرسیونی، متغیرهای تأثیرپذیری از روابط خویشاوندی، تقدیرگرایی، آزادی اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌ها، تعلق اجتماعی، سن، وضعیت تأهل، وضعیت فعالیت و سطح تحصیلات رابطه معناداری با متغیر وابسته میزان مشارکت اجتماعی نداشتند لذا از معادله رگرسیونی خارج شده و مجدداً با سایر متغیرها معادله گرفته شد و مقدار ضریب تعیین ($R^2 = 21$) نشان داد که سایر متغیرهای پژوهش (عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی، رضایت اجتماعی، مسؤلیت‌پذیری اجتماعی، اعتماد اجتماعی و جنسیت) به ازای ۲۱ درصد توانستند مقدار Y (میزان مشارکت اجتماعی) را توضیح دهند و تبیین کنند و ۷۹ درصد نیز به عوامل دیگری وابسته بود که در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفت. همچنین نمودار تحلیل مسیر نشان می‌دهد که متغیر اعتماد اجتماعی ($0/220 =$) بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت اجتماعی داشته و پس از آن به ترتیب متغیرهای عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی ($0/176 =$)، مسؤلیت‌پذیری اجتماعی ($0/169 =$)، رضایت اجتماعی ($0/155 =$)، جنسیت ($-0/125 =$) بر متغیر وابسته میزان

مشارکت اجتماعی تأثیرگذار می‌باشند. همچنین متغیر رضایت اجتماعی ($\beta = 0/206$) بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ($\beta = 0/179$) اعتماد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز ($\beta = 0/328$) بر اعتماد اجتماعی مؤثر است.

مدل تحلیل مسیر عبارت است از :

مدل تحلیل مسیر



۶- بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با اتکاء به دیدگاه مکتب‌نوسازی و استفاده از نظرات صاحب‌نظران این مکتب برخی از عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی چون سطح تحصیلات، تعلق اجتماعی، آزادی اجتماعی، عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رضایت اجتماعی و ... در جامعه ایران و شهر بم مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پاسخ به دو سؤال اساسی پژوهش با اتکا به نظریه‌ها و چهارچوب تئوریک و پیشینه پژوهش:

۱. میزان مشارکت اجتماعی جوانان در شهر بم چقدر است؟

اکثریت پاسخگویان ($46/5$ درصد آنها) مشارکت اجتماعی متوسطی داشتند و پس از آن 25 درصد مشارکت اجتماعی کمی داشتند و تنها $1/8$ درصد از جوانان مشارکت اجتماعی خیلی زیادی داشتند. این امر نشان می‌دهد که اکثریت جوانان شهر بم تمایل چندانی به مشارکت بالا در امور شهرشان نداشته‌اند. همانطوری که در صفحه ۸ این پژوهش آمد: «در مقابل جوامع توسعه‌یافته جامعه سنتی قرار دارد که به سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نرسیده است و مجموعه مسائل و مشکلات ناشی از عدم توسعه در زمینه‌های یاد شده موجب کم‌رنگ بودن مشارکت در معنای واقعی در زندگی اجتماعی و

سیاسی افراد در این گونه جوامع می باشد. جامعه بم هنوز از جمله جوامع سنتی به حساب می آید؛ همانطوری که جامعه ایران را در کلیت خود جامعه ای در حال توسعه قلمداد می کنند. این شاخص توسعه یافتگی در جوامع هر چه از شهرهای بزرگ و بویژه پایتخت به سمت مناطق دورتر می‌رویم معمولاً پایین تر است. از طرفی شوک حاصل از وقوع زلزله آنومی^۱ اجتماعی در شهر بم ایجاد کرده است. غلامعباس توسلی در کتاب «مشارکت اجتماعی در شرایط جامعه آنومیک» هرچند که شرایط آنومیک را در شرایط وقوع پدیده‌های طبیعی در نظر ندارد و بحث وی گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن می‌باشد؛ اما معتقد است که در شرایط آنومیک بحرانها ارزش‌های جامعه را از مسیر اصلی خود خارج می‌کند؛ وی شرایط گذر ایران از جامعه‌ای سنتی به مدرن را مد نظر دارد و معتقد است در چنین شرایطی ارزش‌های جامعه ما دویاره شده و از خودبستگی‌ها شکل گرفته است (توسلی، <http://isa.org.ir/congress-discussion/4439>، ۱۳۹۲/۷/۱۲). آنتونی گیدنز^۲ و دورکیم معتقدند که آنومی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر رفتار فرد از دست می‌دهند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۷۹). بعبارت دیگر زمانی که هنجارهای اجتماعی و یا وجدان جمعی مشروعیت خود را از دست بدهند ارتباط میان وجدان جمعی که از طریق هنجارها عینی شده‌اند از یک طرف و نظام تقسیم کار از طرف دیگر قطع می‌شود و شرایط «نمی‌دانم و سردرگمی» بوجود می‌آید که خود موجب بی‌نظمی اجتماعی می‌شود و هر عاملی که فرد را از نظام تقسیم کار اجتماعی باز می‌دارد خود یک آسیب اجتماعی بحساب می‌آید. (تنهایی، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۴۲). رابرت مرتن^۳ نیز مانند دورکیم معتقد است در شرایط آنومیک یا نابسامانی اجتماعی بحران اجتماعی در اثر سستی و و یا ناکارآمدی هنجارهای مشترک اتفاق می‌افتد و جامعه در خطر از هم‌پاشیدگی و ضعف پیوندهای گروهی و اجتماعی بر محور ارزشها و هنجارهای مشترک قرار می‌گیرد و موجب بریده شدن فرد از جامعه، انزوای اجتماعی، یأس و ناامیدی، بی‌هدف و بی‌انگیزه شدن افراد و رفتارهای نابهنجار دیگر می‌شود (آرون^۴، ۱۳۶۴: ۳۶۵). بنابراین وقوع زلزله در بم یک فاجعه اجتماعی بود که موجب دو دسته آسیب شد: ۱- ویرانی و خسارات مادی غیر قابل جبران برای بازماندگان ۲- از دست دادن بستگان و بحران عاطفی شدید. در چنین شرایطی که پیوندهای مادی و معنوی- عاطفی جامعه گسسته شده است بحث امداد در دو بعد مادی و روانی و اجتماعی مطرح است. بنا بر این جامعه بم را باید از حیث علاقه به

1-Anomie

2-Anthony Giddens

3-Robert Merton

4-Reymon Aron

مشارکت اجتماعی جامعه‌ای بحران زده دانست؛ جامعه‌ای که نیاز به امداد دارد تا مشارکت. هر چند مشارکت در این شهر مد نظر مردم و جوانان قرار دارد، از طرفی آسیب دیدگان در مناطق محروم عمدتاً فقرا هستند و بازماندگانی که بر فقر و گرفتاری آنان افزوده شده است ممکن است تحت این شرایط توان مشارکت و از طرفی انگیزه مشارکت اجتماعی را نداشته باشند.^۱ در تبیین پایین‌بودن مشارکت اجتماعی جوانان همچنین محافظه‌کاری نهادهای دولتی در پذیرش خدمات داوطلبانه و نبود نهادهای غیر دولتی و مردم بنیاد از جمله عوامل مهم دیگر است که دست به دست هم داده و میزان مشارکت اجتماعی جوانان را در شهر بم کاهش داده است. در پژوهش شفیع شفیع با عنوان "عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر اردبیل" که در بخش پیشینه پژوهش به آن پرداخته شد وی به این نتایج رسیده است: توزیع پاسخگویان بر حسب سطح مشارکت اجتماعی آنها نشان می‌دهد که از بین ۴۷۳ نفر ۳۳۰ نفر یعنی ۶۹/۸ درصد بر حسب شاخص‌های مربوط به مشارکت اجتماعی در حد متوسط، ۲۲/۸ درصد در حد بالا و ۴/۴ درصد در سطح پایین در امور شهری مشارکت دارند که خود نشان از پایین‌بودن سطح مشارکت در بین جوانان در شهر دیگری است که بحران زلزله در آن منطقه بوقوع نیوسته و نسبت به جامعه زلزله‌زده بم جامعه‌ای نرمال و طبیعی بحساب می‌آید. به نظر می‌رسد چون شهر بم شهر بحران زده و زلزله‌زده‌ای است سطح مشارکت اجتماعی جوانان پایین می‌باشد. البته موارد ناشناخته دیگری هم می‌تواند در این امر دخیل باشد که این پژوهش ممکن است قادر به تبیین آنها نبوده است.

۲. عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت اجتماعی جوانان شهر بم کدام است؟

از بین کلیه متغیرها و عوامل موجود در این پژوهش، متغیرهای احساس تعلق اجتماعی، رضایت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی رابطه معناداری با میزان مشارکت اجتماعی جوانان داشتند. همچنین مشارکت جوانان در دو گروه زنان و مردان و در بین گروه‌های مختلف دانشجویی، دانش‌آموزی، زنان خانه‌دار، شاغلین و بیکاران تفاوت معناداری داشت. به این ترتیب با بررسی فرضیه‌های تحقیق می‌توان گفت که نظریه راجرز^۲ درباره تأثیر اعتماد اجتماعی، نظریه لرنر درباره تأثیر میزان استفاده از رسانه‌ها، نظریه‌های لیپست، هانتینگتون، نلسون^۳ و لرنر درباره تأثیر عضویت در سازمان‌ها و تشکل‌ها، نظریه لیپست درباره تأثیر جنسیت،

۱- طی مشاهداتی که در حین تکمیل پرسشنامه‌ها و گردآوری داده‌ها به ثبت رسید؛ غالب مصاحبه‌شوندگان این سؤال را مطرح می‌کردند: آیا این مصاحبه برای پرداخت وام است یا بخشش وامی که دولت در اختیار آنان قرار داده بود، آن روزها صحبت از بخشش وام دولتی بود که قبلاً در اختیار بازماندگان برای بازسازی قرار داده شده بود.

2- Rogers

3- Nelson

نظریه‌های لیپست، اکسلرد و اینگلهارت درباره تاثیر شغل، نظریه‌های لیپست، راجرز و لرنر درباره محل سکونت و نظریه لیپست درباره سابقه سکونت و نظریه دورکیم درباره تعلق اجتماعی و کارهای پژوهشی شفيعی، ایسپا و شرفخانی درباره رضایت اجتماعی و پژوهش حسینی درباره مسؤولیت پذیری بیانگر تأثیر متغیرهای فوق بر مشارکت اجتماعی بوده و بیانگر تأیید نظریه‌های مشروحه می‌باشد.

۸- پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش

۱. نظر به اینکه متغیرهای «اعتماد اجتماعی»، «عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی»، «مسؤولیت-پذیری اجتماعی»، «رضایت اجتماعی»، «میزان استفاده از رسانه‌ها»، «احساس تعلق اجتماعی» در قالب فرضیه‌های مطرح شده رابطه مستقیم و مثبتی با میزان مشارکت اجتماعی جوانان دارد، از طرفی در مدل رگرسیونی نیز بیشترین تأثیرهای مستقیم به ترتیب متعلق به متغیرهای ۱- اعتماد اجتماعی ۲- عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی ۳- مسؤولیت‌پذیری اجتماعی ۴- رضایت اجتماعی ۵- جنسیت می‌باشد و از طرفی متغیرهای «رضایت اجتماعی» و «مسؤولیت‌پذیری اجتماعی» بر متغیر «اعتماد اجتماعی» و نیز متغیر «رضایت اجتماعی» بر «مسؤولیت‌پذیری اجتماعی» مؤثر می‌باشند لذا نکات قابل اهمیت زیر در برنامه‌ریزی‌ها برای جوانان پیشنهاد می‌شود:

الف- نظر به اینکه متغیر «اعتماد اجتماعی» بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت اجتماعی جوانان دارد، لذا مسؤولین شهر می‌بایست به فکر اعتمادسازی بیشتر بین جوانان و نهادهای ذیربط شهر باشند. با اینکه این شهر، یک شهر زلزله زده می‌باشد و جوانان این شهر بسیاری از بستگان و خویشان^۱ درجه ۱ و ۲ و یا دوستان و آشنایان خود را از دست داده‌اند اما برای مشارکت اجتماعی و حضوری فعال در اجتماع تحت تأثیر متغیر «تأثیر پذیری از رابطه خویشاوندی یا به عبارتی گسسته‌شدن رابطه خویشاوندی» قرار ندارند و بیشتر از هر عامل دیگری تحت تأثیر «اعتماد اجتماعی» می‌باشند. این مطلب مبین این امر است که مسؤولین در برنامه‌ریزی‌های خود برای جوانان می‌بایست اعتماد سازی را سرلوحه برنامه‌ریزی‌های خود قرار دهند. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه یافته‌های حاصل از سؤالات و گویه‌های مربوطه به «اعتماد

۱- به نظر می‌رسد با یافته‌های دکتر مژده وزیری و شیدا جهانی در پژوهشی با عنوان: «مهارت‌های شهروندی مورد نیاز دانش‌آموزان دبستانهای شهرستان زلزله زده بم» که به این نتایج رسیده‌اند:
«مهارت فنآوری اطلاعات در بین تمامی مهارت‌ها حائز بالاترین اولویت می‌باشد و پس از آن مهارت شهروند جهانی بودند دومین اولویت را دارد.»

اجتماعی» حاکی از آن است که جوانان در درجه اول به خانواده و بستگان، سپس به دوستان و آشنایان و در نهایت به مسئولین محلی اعتماد دارند. مسئولین محلی می‌بایست در برنامه‌ریزی‌های خودشکافی را که به نظر می‌رسد بین آنان و جوانان وجود دارد را پر نمایند و به جوانان در برنامه‌ریزی‌ها اهمیت بیشتری و در نهایت نقش و سهم بیشتری قائل شوند.

ب- نکته بسیار حائز اهمیت دیگری در یافته‌های این پژوهش است و آن اینکه دومین عامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی جوانان متغیر «عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی» می‌باشد. این عامل به دنبال متغیر «اعتماد اجتماعی» بیشترین تأثیر را دارد لذا خود نتیجه بسیار با اهمیتی را در اختیار قرار می‌دهد و آن اینکه برای جلب اعتماد اجتماعی جوانان راهکار مناسب مشارکت دادن آنان در تصمیم‌گیری‌ها بجای اخذ تصمیمات یکسویه از سوی مسئولین است و این امر میسر نمی‌باشد مگر با افزایش امکان «عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی». نظر به اینکه دخالت دادن جوانان در تصمیم‌گیری مستقیم در نهادهای اجتماعی در کشور ما به ندرت امکان‌پذیر و یا به عبارتی امکان‌پذیر نمی‌باشد، لذا ضرورت اهتمام به گسترش سازمان‌ها و تشکلهای غیردولتی^۱ بیشتر نمایان می‌شود.

می‌بایست امکان گسترش سازمان‌ها و تشکلهای غیردولتی‌ها اعم از داخلی و خارجی فراهم آید تا جوانان قابلیت چانه‌زنی خود را برای تأثیرگذاری بر تصمیمات افزایش دهند و در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت شهری شهر خود و آینده آن تأثیر گذار باشند، زیرا شهر آینده، رویای آنان برای آینده و زندگی بهتر است.

گسترش انجمن‌های ورزشی، انجمن‌های علمی و فرهنگی و تریبون‌های آزاد برای جوانان و امکان راه اندازی احزاب سیاسی، اقتصادی، اجتماعی از جمله مواردی است که می‌تواند تأثیر زیادی بر بالارفتن مشارکت اجتماعی جوانان داشته باشد و مدیران و تصمیم‌گیران شهر بهتر است آنها را در دستور تصمیم‌گیری خود قرار دهند.

پ- نکته حائز اهمیت دیگر اینکه بدنبال این دو عامل، «مسئولیت‌پذیری اجتماعی» جوانان از جمله مهمترین عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت اجتماعی جوانان است، لذا پیشنهاد می‌شود به جوانان مسئولیت‌های بیشتری برای ایفای نقش در تحولات آینده شهرشان واگذار شود. زیرا جوانان حاضر به پذیرش مسئولیت در حوزه مدیریت شهری و تصمیم‌گیری‌ها هستند در واقع بدنبال «اعتماد اجتماعی» و «عضویت داوطلبانه در نهادهای اجتماعی» جوانان شهامت خود را برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی بیان داشته‌اند، لذا پیشنهاد می‌شود مسئولین به جوانان برای واگذاری نقش بیشتر توجه بیشتری نمایند و

روی این ویژگی جوانان شهر خود حساب ویژه‌ای باز کنند و از این نیروی بالقوه و مسؤولیت‌پذیر در مدیریت شهری بهره ببرند.

ت- هر چند «رضایت اجتماعی» جوانان در مجموع کم است اما در صورت توجه به جلب رضایت جوانان با ارائه خدمات و امکانات شهری مناسب شرایط و وضعیت و خواسته‌های آنان، تعاملات اجتماعی جوانان را می‌توان افزایش داد. ارائه خدمات شهری مناسب جوانان بویژه در اختیار قرار دادن وام‌های مناسب جهت راه‌اندازی کانون‌های علمی و فرهنگی و ورزشی و نیز گسترش این گونه خدمات در شهری که زیربنای آن در اثر زلزله ویران شده است به جلب مشارکت جوانان کمک بسیار مؤثری خواهد نمود. احیای ارگ قدیم بم نیز از جمله موارد دیگری است که می‌توان در تصمیم‌گیری‌ها برای جوانان لحاظ کرد.

ث- عامل «جنسیت» که در عمده تحقیقات اجتماعی خود را بعنوان یک عامل مؤثر نشان می‌دهد در اینجا نیز بر میزان مشارکت مؤثر و یا عبارتی تفاوت «میزان مشارکت از لحاظ جنسیت در بین زنان و مردان جوان وجود دارد و پیشنهاد می‌شود مسؤولین در برنامه‌ریزی‌های شهری خود این تفاوت را مدنظر قرار دهند.

ج - هر چند در مدل رگرسیونی، «میزان استفاده از رسانه‌ها» در تحلیل مسیر خود را نشان نداده است اما این متغیر تأثیر مثبت و مستقیم بر میزان مشارکت اجتماعی جوانان دارد، لذا مسؤولیت رسانه‌های همگانی در ارتباط با جوانان بویژه جوانان شهر بم دو چندان است. در این بین رادیو و تلویزیون با بیشترین تأثیر نقش بسیار مهمتری را برعهده دارند. لذا پیشنهاد می‌شود نظر به شرایط خاص شهر بم بعد از زلزله، برنامه‌های کارشناسی شده و ویژه در ساعات خاص بصورت ثابت در صدا و سیما استانی (شبکه ۵ کرمان) برای جوانان در نظر گرفته شود، بطوری که جوانان این احساس را داشته باشند که تربیونی جهت بیان خواسته‌های خود در اختیار دارند.

ح - نظر به اینکه اکثریت جوانان شهر بم مشارکت اجتماعی کمی دارند و تنها ۱/۸ درصد از جوانان مشارکت اجتماعی خیلی زیاد داشته‌اند، ضرورت توجه به جوانان را بیشتر می‌نمایاند. پیشنهاد می‌شود مسؤولین در برنامه‌ریزی‌های خود برای جوانان به یافته‌های این پژوهش و سایر پژوهش‌های اجتماعی توجه خاصی داشته و راه را برای انجام تحقیقات بیشتر جهت استفاده در برنامه‌ریزی‌های راهبردی - کاربردی برای جوانان فراهم آورند.

اما نظر به اینکه جامعه جوان جامعه‌ای است پویا و در قبال شرایط و تحولات دگرگونی‌ها سریعتر از سایر گروه‌های سنی بوقوع می‌پیوندد، پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی‌ها به این متغیرها و عوامل هم در کنار سایر عوامل توجه شود و برای اطمینان بیشتر به تحقیقات بیشتر در این زمینه پرداخته شود.

فهرست منابع

۱. آبراهامز، جی. اچ، (۱۳۶۹)، مبانی و رشد جامعه‌شناسی، ترجمه: حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش، جلد اول.
۲. آرون، ریمون، (۱۳۶۴)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان آموزش انقلاب اسلامی.
۳. استونز، راب، (۱۳۷۹)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، ترجمه: مهرداد میردامادی، نشر مرکز.
۴. آمارنامه جمعیتی، (۱۳۸۵)، مرکز آمار ایران، شهر بم.
۵. افه و فوجز، (۲۰۰۲) به نقل از فیروزآبادی، سید احمد، (۱۳۸۴)، بولینگ یک نفره، فروپاشی و احیای مجدد اجتماع امریکایی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲.
۶. ایران‌زاده، سلیمان، (۱۳۷۵) ابعاد مشارکت در نظام فرهنگی ایران، تعاون، شماره ۵۹، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷. اینگلهارت، رونالد، (۱۳۷۴) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
۸. بیرو، آلن، (۱۳۶۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
۹. بوردیو، پیر، (۱۹۹۷)، اشکال سرمایه به نقل از تاجبخش، کیان، (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی، توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
۱۰. پاتنام، روبرت، (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه: دلفروز، تهران: انتشارات سلام.
۱۱. تنهایی، حسین ابوالحسن، (۱۳۸۳)، درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، گناباد: انتشارات مرندیز.
۱۲. چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشرنی.
۱۳. دشتی، علی (۱۳۷۶) دیالکتیک انضباط و خودجوشی نقش نظریه انقلابی ساندیست‌ها در فرهنگ سیاسی و مشارکت مردمی، فصلنامه فرهنگ، شماره ۲۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۱۴. رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵)، مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹، تهران: مؤسسه اطلاعات.
۱۵. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، چاپ اول.
۱۶. سراج‌زاده، حسین، (۱۳۶۸)، بررسی میزان شرکت مردم در انتخابات بعد از انقلاب اسلامی در شهرستانهای کشور و رابطه آن با برخی متغیرهای اجتماعی، به راهنمایی دکتر علیرضا محسنی تبریزی و سیدابراهیم فیوضات، پایان نامه فوق لیسانس جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۱۷. شرفخانی، جعفر، (۱۳۸۵)، بررسی میزان مشارکت جوانان شهر ایلام در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

- علوی تبار، علیرضا، (۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران : انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
۱۸. غفاری و نیازی، (۱۳۸۶)، جامعه شناسی مشارکت، تهران : نشر نزدیک.
۱۹. فیروزآبادی، سید احمد، (۱۳۸۴)، بررسی عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری آن در شهر تهران، پایان نامه دکترا جامعه شناسی، دانشگاه تهران.
۲۰. کلمن، جیمز، (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه : منوچهر صبوری، تهران : نشر نی.
۲۱. گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۱) جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران : نشر نی.
۲۲. محسنی، منوچهر و عدرا جاراللهی، (۱۳۸۲)، مشارکت اجتماعی در ایران، انتشارات آرون.
۲۳. محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۷۸) بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، تهران: نامه پژوهش، سال اول، شماره ۱.
۲۴. محمدی، محمد علی، (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و سنجش آن، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی.
۲۵. مشهدی رجیبی، مونا، (۱۳۷۹)، بررسی میزان مشارکت فرهنگی استرالیایی‌ها، مجله فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۴۹.
۲۶. مصفا، نسربین، (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، تهران : موسسه چاپ و انتشارات قائم.
27. Axelson, morris (1950). *Urban structure and participation, american sociological review*. Vol.21 . issue 1 , pp 13-18.
27. Bourdieu , peter (1997). *outline of a theory of practice*. cambridge, England : cambridge university press.
28. Breton, L. David (1997). *Laparticipation social et le*.
29. Field , john (2003). *Social capital* . Routledge , London and New york , page 11-29.
30. Goulet, D. (1995). *Participation in development Ethics*. A guide to theory and practices, London.
31. Keyes , c . l . M. (2004). *Complete mental health: an agenda for the 21 century*. Washington.
32. Molinas, jose (1998). *the impact of inequality, gender. exreenal assistance and social capital on local – level cooperation*. World development, Vol. 26, No.3, Elsevier Science Ltd.
33. Parsons, T. & Robert , F. (1955). *Family, socialization and interaction process*. The free press. New York.